

باورهای استاد زرین کوب در مورد «پژوهش» و «نقد»

تا حدود بسیاری درست می‌داند به وظایف ناقد اشاره می‌کند. جوانب متنوع کار نقد را بر می‌شمارد و آنجا به استنتاج و نتیجه‌گیری می‌نشیند که به این معنا می‌رسد: «فایده نقد تهذیب ذوق عامه و تربیت فکر نویسنده است».

زرین کوب، در این باره انتظار واقعی خود را از ناقد و جریان نقد، بیان می‌دارد. او از ناقد انتظار دارد تا بعد از بررسی دقیق اثر، بنمایاند که:

(الف) هدف و مراد در ابداع و تولید آن اثر چه بوده است.

(ب) در بیان آن هدف و نحوه دست‌یابی به آن تا چه حد توفیق یافته است.

(ج) آیا آن هدف و مراد بدان مایه رنج می‌ارزیده است یا نه؟



استاد، در تذکارتی دیگر، ناقدین را از این شیوه پرهیز می‌دهد که، چنانچه عیب و نقصی را در اثری می‌بینند و آن را نیز به زبان می‌آورند، نسبت به ادراک عظمت و کمالاتی که در آن هست، محجوب نمانند و در کشف لطیفه‌های نهانی و زیبایی‌های ناشناخته، که در آن اثر هست، کوششی را روا ندارند. زرین کوب، این جستجوی زیبایی‌های نهانی را مدیون وجود دلی سرشار از ذوق و همت و جانی عاری از رشک و کینه می‌بیند. با این همه، به‌جا و قطعی تأکید می‌دارد که «بدون اندیشه و تأمل و تحقیق و مطالعه نیل بدین مقام میسر نیست».

توجهی حکیمانه به «واکنش مقدم بر نقد» (۵) از زبان «دکتر ساموئل جانسون» (۶) در کتاب «زندگی‌گری» که معتقد است: «واکنش مقدم بر نقد معیار نهایی تعیین ارزش ادبی هر اثر است»، را، از سوی شادروان زرین کوب در مقدمه کتاب

خود به نقد و پژوهش می‌پردازد. جای جای مقاماتی که به شرح حال و بیان احساس شخصی و تبیین نظر عاطفی و فردی خود می‌کوشد، می‌توانیم قواعد نگاه او را در این باره، استنتاج و معرفی کنیم. استاد هیچ‌گاه و از روی بلندطبعی و بالانظری، به وجهی مستقیم، سختی و کلامی در این باره، نگفته است. نگفته است تا که مبادا در آن، رایحه‌ای از فضل فروشی به مشام رسد.

استاد، در «یادداشت‌ها و اندیشه‌ها» (۴) در مقالی تحت عنوان «نقد بازار» بعد از ذکر جمله‌ای با این مضمون «شاعری جوان در مقدمه دیوانی که به تازگی منتشر کرده است بر منتقدان عصر ما تاخته است که این‌ها انتقاد نمی‌کنند، دشنام می‌دهند» به وسعت قابل ارجح و تقدیری به توصیف جوانب مثبت نگاه آن شاعر جوان می‌پردازد، ضمن دریغ ورزیدن از اینکه سخن او را

تأکید این مقال، نگاه به زنده‌یاد، دکتر عبدالحسین زرین کوب است از منظر شناخت آرایه‌های فکری و ذوقی و جوانب کوشش او بر موضوع نقد و پژوهش.

قصد این راقم آن است تا با بضاعتی قلیل، به وصف و شرح مبانی و چگونگی روش‌داری و قاعده‌مندی استاد زرین کوب بر این موضوع بپردازد.

بالطبع، تلاش فوق که باید آن را فقط مقدمه‌ای بر آن منظور دانستش، می‌کوشد تا الگوی رفتاری و عملی استاد را در امر نقد و پژوهش و چگونگی نظراندازی (مشاهده) و نتیجه (مطالعه) بر مسایل مورد فرض (فرضیه) و نقد را از منظر بنیان‌شناسی معرفی دارد.

جامعه مورد مطالعه این نگارنده، در تبیین قصد مذکور، آثار منتشر شده استاد است که به عنوان نمونه آماری، خنسب بهره‌گیری براساس موضوع، با ذکر نام اثر، مثال و مصداق آورده خواهد شد.

از عزیزان رفته‌رفته تهی این خاکدان

یک تن از آیندگان گرفت جای رفتگان

عالم از اهل سعادت یک قلم خالی شده است

زان همایون طایران مانده است مثنی استخوان

زیرگردون راست کیشان را نمی‌باشد قرار

منزل آسایش تیر است، بیرون از کمان (۱)

استاد، در «باکاروان خُنه» یادی از صائب دارد به نام زائر هند. (۲) بایسته دیدم بهر آغازی که ذکری از گذشت زمان و چستی اعتبار از گذشت آن باشد، چند بیتی آورم که تاویلی بنا به میل او باشد در این باب که: صائب از نگاه شعر «غنچه را می‌بیند که دلتنگ و لب بسته در گوشه باغ رخ می‌نماید و وقتی پژمرده و پرپر به خاک راه می‌افتد، گلی خندان است به این اندیشه می‌افتد که رفتن از باغ جهان بهتر از آمدن است.» (۳)

«اسلوب و قاعده نقد و پژوهش از نگاه زرین کوب»

استاد زرین کوب بر دامن فراخی از تساهل ادبی و توجه و دقایق بسیار به جایگاه نقد و پژوهش،

«پله پله تا ملاقات خدا» می‌بینم.

دکتر ساموئل جانسون در توضیح واکنش مقدمه بر نقد می‌گوید: «من با شادمانی موافقتم را با خواننده معمولی اعلام می‌کنم، زیرا سرانجام عقل سلیم خوانندگان است که به دور از شائبه تعصبات ادبی با آن همه ظرافت‌های نکته‌بینانه و جزم‌اندیشی علامه‌وار باید برای افتخارات ادبی حکم صادر کنند» و شادروان زرین‌کوب در مقدمه کتاب پله پله تا ملاقات خدا می‌نویسد:

«این نوشته شاید در پارادای ویژگی‌های خویش که التزام آنها به عمد تعهد شد در نزد برخی خوانندگان دیرین که با شیوه بیان من به گونه دیگری آشنایی دارند، تا حدی غیرعادی جلوه کند. این برای آن است که در اینجا بیشتر خواسته‌ام به آنچه خواننده عادی از من توقع دارد جواب مساعد داده باشم.» (۷) بعد از این استاد به مکاتبات خواننده محترمی اشاره می‌کند که از او، طلب ساده نوشتن کرده است و خواننده محترمه دیگری که در خارج از کشور خواننده آثار اوست و خواهان آن است تا که، استاد شیوه ساده‌تری پیش بگیرند؛ استاد زرین‌کوب با تمکین و توجهی ارزش‌مندان به خواست خوانندگان، ضمن آنکه تذکر می‌دهد که ساده‌نویسی را دوست دارد اما در آنچه سابقه سنتی در تعبیر و بیان اندیشه‌ای هست دوست ندارد با انتخاب الفاظ نوساز، رابطه بین گذشته و حال را، که احساس استمرار فرهنگ برای خواننده هم بدون آن ممکن نیست را قطع کند. از خوانندگان آزارش عذر می‌خواهد.

استاد، ضمن آنکه به خواست خوانندگان توجه می‌نهد و در واقعیتی مسدود و روشن، آنان را، ناقدین اصلی و مستقیم آثر خود می‌شناسد و در عمل، به جوهر ناشی از واکنش مقدم بر نقد، احترام و اعتبار می‌بخشد. خوانندگانش را نیز به تأمل و دقت و کنجکاوی فرا می‌خواند.

این مرحله و روش در کنار ادبی و هنری و پژوهشی، به عبارت توجه به خواست خوانندگان و تأمین نظریه واکنش مقدم بر نقد از سوی و از سوی دیگر پرهیز از آنچه فاقد جایگاه ارزشی و اعتباری در دستگاه و نظام ادبیات و ساختار و بنیان‌های علمی و تاریخی است، تذکری به جا و بااهمیت برای ناقدین است که به فورم‌ها و قالب آثار دقت و توجه دارند و دقت به این مهم دهند که:

هر اثری توجه خاص به خود را می‌طلبد و باید قالب و سبک و جایگاه و موضوع هر اثر را شناسایی و حسب تشخیص مضامین فوق، دریافت که به آن اثر چگونه و از چه زاویه‌ای می‌باید نگریست.

«کتاب‌هایی هست که در آنها، آنچه مهم و مورد توجه تواند بود صورت کلی آنهاست. جزئیات را اهمیت چندانی نیست. کتاب‌هایی نیز هست که در آنها، آنچه اهمیت دارد جزئیات است. صورت کلی هیچ مهم نیست و منتقد به اتکا ذوق و دریافت خویش باید این دو را بشناسد و فرقی بنهد و آن قدر ذوق و تمیز داشته باشد که بداند در کدام اثر باید صورت کلی را در نظر بگیرد و در کدام کتاب باید حساب جزئیات را داشته باشد.» (۸)

آسیب ناشی از عدم تشخیص ظرائف فوق آن است که: «اندک خطایی که در آن روی دهد هم ذوق عامه را تباه می‌کند و هم بسا که اندیشه شاعر و نویسنده جوان را از راه درست منحرف می‌سازد.» (۹) و از جایی دیگر آنچه که باید ناشی از نقد حاصل آید، محصول نخواهد شد.

انتظار از هنر نقدی آن است که رهیافت به موضوعات متن مشخص گردند و به انکشاف موضوعات بر شرح آنچه که در هدف شاعر و نویسنده بوده است، پرداخته گردد.

یکی از رهیافت‌های کار نقد و تحقیق و پژوهش آن است که ما را به مواهب و دستاوردهای هر ردیف غایت‌انگیز برساند.

«کار تحقیق بر علوم اجتماعی کم و بیش به همان شیوه کار انکشاف و استخراج نفت صورت می‌گیرد. موافقت یک پروره استخراج نفت تا حدود زیادی، به مشابهات فلدمانی که اصطلاحاً اکتشافی گفته می‌شود، ارتباط دارد و آن نیازمند هسکاری متخصصان متعددی است که هر یک در رشته‌ای صاحب نظر است.» (۱۰)

حال چنانچه، نقدی جز در بزرگ‌نمایی معانی و پنهان‌داری جوانب و ابعاد زیبایی و عدم تشخیص برکت موضوعی باشد، نه فقط به حاصلی به عبارت تبیین «نظریه» نخواهد انجامید بلکه رهیافت ما را به هدف و انتظار نویسنده از اثر دور خواهد داشت و به عبارتی جستجوی ما را در دریافت «ارزش اثر» عقیم خواهد گذارد.

آنچه استاد زرین‌کوب، در تبیین نظریات خود

نسبت به ویژگی‌ها و خصوصیات لازم برای کار نقد و پژوهش که مجموع آن را در عمل و رفتار خوب منتقدین و پژوهشگران الهام می‌دهد، تلاش بر این کسب شناخت و بصیرت لازم بر «گونه‌ها» و «صورت» و «اشکال» ساختاری آثار ادبی و علمی و هنری و ذوقی و فرهنگی است.

آنکه به «نمایشنامه» و «سورسنی و مباحث راجع به «درام» و تصانیف ندارد، چه چیزی جز پارامتری از اندیشه‌ها و تأثرات خود را می‌تواند بازگو نماید و دریاب شعر را داستان تا نقدی «اهل» آن نباشد، چه بیان و گفتاری می‌تواند برکت حقیقت بر زبان قلم براند.

بنیانی را که زرین‌کوب مطرح می‌دارد «اهمیت دادن به سعی مداوم در کشف و ادراک زیبایی و هنر است» و نه تضییق آن با تمایلات شخصی و فردی.

درباره ماهیت تک نقد و پژوهش درست، به زمانی، «میتو آرنولد» (۱۸۸۸-۱۸۲۲) مهم‌ترین منتقد انگلیسی نیمه دوم قرن نوزدهم، نظریه عاری بودن از حرفش انتقادی را مطرح کرد و خواص آن جریان آزاد بدیده‌ها شد. او به این خصصت بریتانی‌ها ایراد گرفت که جراد و زودها را به روی آرائی، بر رویان نمی‌کنند. (۱۱) هر داری آرنولد از روحه استفادگی و ابعاد فضایی مناسب برای نیاید از آزاد آرا و سده پیش از نسبت خواهی و کنجکاوی و عاری از حرف انتقادی بدین، حتی امروز هم از بدیده‌ها سست است. (۱۲)

آرنولد، خواننده آن است که منتقد، «دانش تازه را در شکل کند و فضا و وقت خویش را همراه آن کند» و بر حکم «نوعی همراه و مفاج» باشد. در جایی، «میتو آرنولد» به نظریه واکنش مقدم بر نقد ذکر ساموئل جانسون نزدیک می‌شود و می‌گوید «هائل نیستیم بر مبنای حقیقت خویش درباره چیزی رأی صادر کنیم، هر بزرگ، نقد در این است که خود را کنار بکشیم و بگذاریم اینانی بشر خود تصمیم بگیرند.» (۱۳) و در جایی دیگر اشاره می‌دهد که: «کار عمده نقد این است که وضعیت فکری به وجود آوریم تا کسانی که قدرت آفرینش دارند بتوانند از آن استفاده کنند.»

ملاحظه می‌شود که معیارهای تک نقد درست، سه گشت و گذاری از امر تفکر در موضوعات

مختلف فکری و ذوقی و نه آسان‌شماری و سهل‌گیری بر ره آورده‌ی غیبی و اندیشی است و نه بر استناد تکیه بر برداشت‌های شخصی و فردی و مطالعات سطحی. وارد نمودن ایراد و اشکالات ظاهری و عیب‌نمایی‌های بی‌ارتباط به جوهر و ماهیت اثر، اینکه آنچه که از آن انتظار است، دسترسی به معارفی است که میتو آرنولد به زبانی و زمانی و استاد زرین‌کوب به زبانی و زمانی دیگر برشمرده است.

لذا، توجه و اهتمام بر رعایت ادب تحقیقی و نقد و ضرورت وجود انگیزه و شوق و معمول‌داری حوصله و کزبری ظرافت در حل دشواری‌ها و جلوگیری از ستابکاری و به‌کارگیری دقت و وجود روحیه انتقادی و پدید آوردن فضای مناسب برای تبادل آزاد آرا و ستایش از کنجکاو و دوری از غرض‌ورزی شخصی و همراهی با اثر در شرح موضوعی و محتوایی آن با خواننده اثر و احترام به نظر و رأی او و جذب صاحبان ذوق و معرفت و هنر به ارائه آثار خود بی‌آنکه ترسی از نیش قلم ناقدین داشته باشند، از مباحث نظری استاد زرین‌کوب در پذیرش یک نقد درست است.

دانسته است که وجود رفتارمندی درست در کار نقد و پژوهش منجر به شکل‌گیری «آداب و تربیت» و سابقه و پیشینه می‌شود و جمع همین سوابق و پیشینه‌های منسجم است که فرهنگ پژوهش و نقد را سامان می‌دهد.

استاد زرین‌کوب، از محمد قزوینی و همگان او تحت عنوان محققینی دقیق و استوار نام می‌برد تا بدینوسیله با عینیت بخشی به نمادهایی از روش‌های تحقیقی و ذکر مصادیقی از مظاهر آن، به باروری فرهنگ پژوهش و نقد یاری رساند.

شناخت اثر رهیافت اولیه در کار نقد

«آنجا که کار منتقد از قلمرو «ادب محض» بیرون می‌شود و سخن از نقد کتاب‌های فنی و فلسفی و تاریخی و این‌گونه موضوع‌ها در میان می‌آید، دیگر حدیث کشف و ادراک زیبایی و زشتی در کار نیست و در این حال آنچه منتقد را بیشتر در کار است تبحر و تسلط در موضوع بحث است. کتابی را که در منطق یا تاریخ مذاهب است منتقدی حق دارد انتقاد کند که خود از آن فنون مایه‌ای و بهره‌ای داشته باشد و درباره اثری

از ظرافت‌های ویژه استاد زرین‌کوب در امر پژوهش و نقد، رعایت دو اصل «صراحت» و «فراغت» است.

که راجع به کلام یا عرفان است ایراد به الفاظ و عبارات، آن‌گونه که شیوه انتقادنویسان ماست شایسته نیست. درباره کتاب‌هایی که فایده آنها کسب معلومات و اطلاعات تازه است اگر زبان و بیان آن مفهوم و روشن است دیگر بر نویسنده جای ایراد نیست که چرا در تلفیق و ترکیب الفاظ و عبارات دقت را به سرحد و سواس نرسانده است و منتقدی که می‌خواهد درباره چنین کتابی سخن گوید، باید جستجو کند که روش و شیوه تحقیق نویسنده درست است یا نه و نتیجه‌ای که از آن شیوه تحقیق بدست آورده است به چیزی می‌ارزد و بر تحقیقات و معلومات گذشتگان چیزی در این باب می‌افزاید یا نه» (۱۴) و در این نوع ورود به آثار خارج از قلمرو ادب محض باید دقت داشت که: «آنچه در باب طبیعت و جهان تاکنون معلوم بشر گشته است، هرچند خود بسیار ناقص و ناجیز و از حد کمال به دور است خود باز چندان است که امروز هیچ‌کس نمی‌تواند آن همه را یک‌جا جمع کند و اگر درست باشد - و درست هست - که آنچه تاکنون در این باب بر انسان معلوم شده است در برابر آنچه مجهول مانده است اندک مایه‌ای است» (۱۵) و بر این اساس شایستگی آن است که در وهله نخست به شناخت اثر نائل آئیم و ملاحظه کنیم که آیا تبحر و مهارت ماکفایت پژوهش و نقد بر آن اثر و موضوع را می‌دهد یا خیر.

تذکر استاد زرین‌کوب، رعایت این بایستگی است که تاثیری از باب موضوع و آرایه‌های قالب و ماهیت متن شناخته نگردد، ورود ناقد و پژوهشگر

به آن رهیافتی بی‌معنا و بی‌اثر است.

شناخت یک اثر موجبی است که هم «جوهر» اثر را در می‌یابیم و هم «خود» را به محک می‌نشینیم و در نهایت به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا ظرفیت و بضاعت تقابل با آن جوهر در شیوه و روش و توان جوهری کار ما هست یا خیر.

استاد زرین‌کوب در کتاب «شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب» در قسمت هجدهم آن (۱۶) تحت عنوان نقد و فلسفه به ذکر تاریخ گونه‌ای از مقوله نقد می‌پردازد، غرض استاد آن است تا به وصف مکاتب مختلف نقادی بپردازد.

استاد ضمن بر شمردن شیوه و سبک‌های متعدد و متنوع نقد و ناقدی، توجه خواننده علاقه‌مند به کار نقد و پژوهش را به ضرورت آشنایی با اصول و شیوه‌های نقد در مکاتب مختلف ادبی و می‌دارد و دقت او را به بنیان‌های تاریخی نقد و پژوهش جلب می‌نماید و به او می‌نمایاند که شناخت اثر، از جوانب گوناگون در دستور اولیه برای انجام نقد و پژوهش است. چه، براساس همین شناخت است که حدود کار بر ناقد و پژوهش‌گر روشن شده و آن روشنایی، مانع در غلطیدن او به دامن بی‌روشی و بی‌رسمی می‌گردد.

رسم و روش در کار نقد و پژوهش

روش در کار نقد و پژوهش به سه چیز اطلاق می‌شود:

«۱) مجموعه طُرُقی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات هدایت می‌کند.

«۲) مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار روند.

«۳) مجموعه ابزار یا فنونی که آدمی از مجهولات به معنومات راهبری می‌نماید.

«ویژگی‌های خاص هر روش، برخوردار از آن از انستظام و عقلانی بودن و روح علمی و واقعیت‌گرایی است.» (۱۷) به آن باید اضافه کرد مواردی دیگر را چون «تجربی بودن و قابلیت انتقال پذیری» (۱۸)

از زاویه نگاه فوق است که استاد زرین‌کوب، موضوع «شناخت اثر» و «آیین و رسم‌داری» را به کار نقد و پژوهش به هم متصل می‌کند و آنجا که یکی از شاخص‌های ضرورت نقد را «انتقال دانش به دیگران» به شمار می‌آورد، به این مهم اهمیت

می‌دهد که مبدا دانشی خام و ناپخته به دیگران، انتقال یابد.

تأکید استاد بر وجود قطره‌ای است ژرف که شادابی و طراوت و دانایی را موجب باشد و نه دریایی از کلمات و مضامین کلی و فاقد ژرف‌اندیشی و عمدتاً سطحی که مخاطب را به خود غرق کند و حیات تفکر و اندیشه را از او باز ستاند! و چه زیبا، استاد، اثر یک تفکر ژرف را به قلم می‌آورد که:

«بدین‌گونه یک تفکر و تأمل ژرف موجب می‌شود ما بتوانیم آن رشته مرموز را که وجود محدود ما را به واقعیت نامحدود می‌پیوندد کشف نماییم.» (۱۹)

پس اگر وجود ما را محدودیت و موانعی است، تفکر و تأمل ژرف‌اندیشی، موجبی است که در شناخت براساس روش و قاعده و معمول‌داری و به کارگیری ویژگی‌های روش‌مداری، به واقعیات نامحدود تسلطی نسبی بیابیم و به کشف موضوعی برآیم.

زرین‌کوب، خود در تمام آثارش متکی به روشی قاعده‌مند است که می‌تواند رسم‌بخش و الهام‌آور برای پژوهشگران و ناقدین باشد. او هم از سویی به مطالعه در سطح می‌پردازد تا کسی بتواند موضوع مورد نقد و پژوهش را تعمیم دهد و هم آنکه از جانی دیگر به ژرف‌اندیشی و عمق‌نگری اهتمام می‌کند تا ابعاد روانی و انگیزه‌ها و شوق‌ها و تمایلات و کنش‌ها و واکنش‌ها را به دست معناآفرینی بسپارد.

مجموع این دو، اسباب آن را فراهم می‌سازد تا مطالعه و پژوهش و نقد به صورت کامل بر معیار نسبی منابع در اختیار و حدود نگاه و حد انتظار از آن انجام پذیرد و با بررسی و استنتاج بر جوانب متفاوت، ژرفایی آن نیز تأمین شود.

از دیگر ظرایف خاصه استاد زرین‌کوب در امر پژوهش و نقد رعایت دو اصل صراحت و فراغت است که در نکته‌نکه آثارش به دقت رعایت شده است.

هر ناساقد و پژوهشگر صاحب‌اندیشه و برخوردار از تأمل و دقت و آراسته به صفات ژرف‌اندیشی و هدفمند در روشنگری، هر فرضیه خود را روشن و صریح و فاقد ابهام (رعایت اصل صراحت) بیان می‌کند و در پی عینیت بخشی و تتبع و تحقیق بر آن، خود را

از هرگونه ارزش‌های پیشین و پیشداوری‌ها باز می‌دارد (رعایت اصل فراغت) تا نه‌گورکورانه به حمایتی برخیزد و نه زیرکانه به نفی و انکاری قلم زند.

استاد گله‌مند از آن دسته از ناقدینی بود که بی‌تأمل به حمایت از آنان که نام و آوازه‌ای در کار ادب و هنر و دانش دارند، می‌پردازند و با بی‌انصافی به آنان که گمنام و ناشناخته‌اند می‌شورند. استاد آن یک را فریب‌کاری و این یک را مایه گمراهی می‌نامد.

مشی دیگری که در آثار استاد مشهود است، رعایت موازین مسلم نقد و پژوهش، خاصه با در نظر گرفتن خزانه مادی و معنوی فرهنگ ملی است. او هیچ‌گاه، مترجم زبان دیگران در اعمال روش‌های نقد و پژوهش نبود، در جایی از خواننده محترم آثارش که با او مکاتبه دارد و برخی خوانندگان دیگر که او را به خاطر استفاده از پاره‌ای لغات نامأنوس و تعبیرات غیر معمول گلایه دارند، با ذکر عذرخواهی می‌گوید: «ساده‌نویسی را دوست دارم اما در آنچه سابقه سنتی در تعبیر و بیان اندیشه‌ای هست دوست ندارم با انتخاب الفاظ نوساز، رابطه بین گذشته و حال را، که احساس استمرار فرهنگ برای خواننده هم بدون آن ممکن نیست قطع کنم» (۲۰) و بدینسان مجموعه آثار مادی و معنوی فرهنگی را برترین خزانه فکری برای ورود آگاهانه هر نسلی به دوره‌های نوین به شمار می‌آورد و هم او که می‌داند «در مسایل انسانی هرگز نباید نقش تاریخ و دگرگونی اجتناب‌ناپذیری را که طی زمان و مکان در پیشرفت اندیشه‌ها دارد نادیده گرفت» (۲۱) می‌کوشد چه در نقد و چه در پژوهش، پیوند با بنیان‌های فرهنگی را برای نسل‌ها فراهم آورد تا در تقابل و رویارویی فرهنگی با دیگر ملل، اسیر و سوسه‌های نامأنوس که ناشی از ناآشنایی با فرهنگ ملی رخ می‌دهد، نشوند.

نسل بی‌گذشته، نسل ناتوان در پذیرش و تطبیق با حال و عقیم در جذب آینده است، کوشش پرتوان زرین‌کوب، ایجاد پیوند با فرهنگ مادی و معنوی و بنیان‌های آرمانی اندیشه برای همگان بود. یادش گرامی، خاطرش خوش.

وداد حمیدی شریف



پس‌نوشت‌ها و منابع:

(۱) محمد قهرمان، صائب تجریزی، انتشارات علمی و فرهنگی جلد ششم.

(۲) عبدالحسین زرین‌کوب، باکاروان حله، انتشارات جاویدان، ص ۲۵۹

(۳) همان، ص ۲۶۰

(۴) عبدالحسین زرین‌کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، انتشارات جاویدان چاپ سوم

(۵) ویلفرد گرین و دیگران، مبانی نقد ادبی، مترجم فرزانه طاهری، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، انتخاب معنا و مضمون و عنوان از مقدمه کتاب.

(۶) نویسنده انگلیسی (۱۷۸۴-۱۷۰۹) صاحب کتاب‌هایی چون فرهنگ زبان انگلیسی - تراژدی ایرنه - بیهودگی - امیال انسان - نقد آثار شکسپیر در هشت جلد. نگاه‌زده حبشی، زندگی شاعران انگلیس در چهار جلد و سفرنامه سفری به غرب جزایر اسکاتلند.

منبع: زهرا خانلری‌کیا، فرهنگ ادبیات جهان، خوارزمی، چاپ اول ص ۳۹۷ الی ۴۰۰

(۷) عبدالحسین زرین‌کوب، پله‌پله تا ملاقات خدا، انتشارات علمی ص ۱۰ الی ۱۳

(۸) عبدالحسین زرین‌کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها همان

(۱۰) رمون گیوی - لوکوان کامپنهود، روش تحقیق در علوم اجتماعی.

ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا چاپ اول، اشاره به معنی

(۱۱) رنه ولک، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیروانی، جلد چهارم بخش اول صفحه ۲۰۹ اشاره به معنی

(۱۲) همان صفحه ۲۱۰، اشاره به معنی

(۱۳) همان

(۱۴) عبدالحسین زرین‌کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، همان صفحه ۲۵۳

(۱۶) عبدالحسین زرین‌کوب، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، انتشارات علمی چاپ اول صفحات ۲۳۲ الی ۲۵۱

(۱۷) ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی جلد اول، صفحه ۲۴ به بعد.

(۱۸) علوی پرویز، مقدمه‌ای بر روش تحقیق، نشر علوم نوین - چاپ اول صفحه ۲۰ و ۲۱

(۱۹) عبدالحسین زرین‌کوب - باکاروان اندیشه - امیرکبیر صفحه ۱۲۲

(۲۰) عبدالحسین زرین‌کوب - پله‌پله تا ملاقات خدا صفحه ۱۳

(۲۱) عبدالحسین زرین‌کوب - جستجو در تصوف ایران - امیرکبیر - برگرفته از مقدمه